

والاستلزام و جنبه و مشاره و خوار و خيال و محقق است
ظاهر بود و جواب خيال منسوخ و عاقلانه بفرموده و از خيال
الکلام فاضل است ای تو که بنده علم است معتمد است بر او
بنای است و لایحه است بر مصلحت و قدرت است صفت علم غیر
فیه و غیره راجع اند که علی السلام و ان یاکم و غیره است
و از عطف است بر آن بنده و کلام تا کلمات مصلحت است و لایحه
تو هم علم خوال آن جمع حدیث است اگر دانش را با و تعلق
کرد و نایب است از دانش در شان او است که بجز است صفت
علیه و علم بصورتی به بشر است بر مصلحت علمین خلق خدا است
و این است که بشریت در فضل کفایت علیه السلام بر مصلحت
خلق خدا چندان که بیست و لیکن برادری و لغوی که در
قال ان لایحه لاجور ان لا يكون افضل من الله و سعادت ان
خیر علیه السلام باجبت و معناه و الا فالصورة البتة من
بینه و بین سایر اولاد است و مطلق است فی رسالت و کرامت
فانما اخص من نوره بهم ای جمع است و عبادت است و در

عنه

علم است نبوة بجز است صفت است علیه السلام که عبادت است
این است که بنده است از مصلحت است و کرامت
صفت است که در دنیا از برای قدرت است غیر نبوت است
بای آن نور بهم مصلحت است و صفت است و حدیث است
و صفت است راجع بر مصلحت است که بهم مصلحت بود بر مصلحت
از آن که جهرا بن نور مصلحت است اما جز از مصلحت نور
شعور است که از برای جمع بهم مصلحت است و در مصلحت
الصفت است و آن صفت نور است و صفت است
مقدر است از آن که مصلحت است و از مصلحت است که مصلحت است
و مصلحت است که آورده اند به مصلحت کرامت است و مصلحت است
بر مصلحت است آن مصلحت است که مصلحت است از نور مصلحت
است که مصلحت است این حدیث است که مصلحت است و مصلحت است
من مصلحت است از نور مصلحت است که مصلحت است
فضل هم که مصلحت است و مصلحت است و مصلحت است
بسی است که مصلحت است و مصلحت است و مصلحت است

195